



میزگرد جدید تدبیر درباره

## بنگاههای اقتصادی و مساله‌ای به نام مالیات

اشاره:

پیشرفت کشورهای روبه توسعه در گرو توسعه صنعتی است. توسعه صنعتی میسر نخواهد شد مگر با تخصیص بهینه منابع، و از جمله منابع مالی. این کشورها برای تامین منابع مورد نیاز سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی معمولاً از دو راه کار سودجسته‌اند: درآمد مالیاتی و درآمد حاصل از فروش منابع زیرزمینی. کشور ما همواره راه دوم را برگزیده است. این گزینش، فرهنگی را ترویج داده است که مالیات‌گریزی تنها یکی از پدیده‌های آن است. پدیده دیگر که در میدان اقتصاد خود را نشان می‌دهد پایین بودن نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی است، که اگر ادعا کنیم در میان همگان خود در این زمینه، در مرتبه نخست هستیم شاید سخنی به اغراق نگفته‌ایم. در صورتی که امروزه اندیشمندان اقتصادی اتفاق نظر دارند که مالیات سالم‌ترین منبع مالی برای سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، و محرکی مهم برای رشد و توسعه اقتصادی است. در عین حال قوانین و مقررات مالیاتی به عنوان اهرمی قوی در سیاست‌های کلان کشور نقش ایفا می‌کند. از همین رو لازم است از این ابزار نیرومند به درست‌ترین شیوه استفاده شود.

هم‌اینک بنگاه‌های اقتصادی کشور در زمینه مسایل مالیاتی با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان هستند. رفع این مشکلات برای تحرک بیشتر تولید، به صورت امری مبرم رخ نموده است. این ابرام، تشکیل میزگرد و بحث در این عرصه را به ما تکلیف کرد. صاحب‌نظران گرانقدری که این بار در میزگرد ماهنامه شرکت جستند از نارسایی‌ها گفتند، از جمله:

پیچیده بودن قوانین و نحوه محاسبه مالیات در حوزه شرکت‌ها، مشکلات اجرایی تشخیص مالیات‌ها، پرداخت مالیات به بهای کاهش دارایی‌ها، بالا بودن نرخ سود بانکی که انگیزه‌ای است برای فرار سرمایه از بخش‌های تولیدی، وضع معافیت‌های مالیاتی که کارساز نبوده است، و برتری دادن منافع فردی بر منافع اجتماعی.

و از راه حل‌ها گفتند، از جمله:

ساده‌سازی و کاهش نرخ مالیات بر سود شرکت‌ها برای تشویق سرمایه‌گذاری در صنعت، ایجاد توازن معقول میان نرخ بازگشت سرمایه در بنگاه‌های اقتصادی و نرخ سود بانکی، تشکیل گروه تخصصی برای بازنگری به قوانین مالیاتی کشور، معافیت مالیاتی بر صادرات محصولات کشاورزی و کالاهای صنعتی و سنتی برای تشویق و توسعه صادرات، هیت دادن به سرمایه‌های سرگردان، اجرای شماره (کد) اقتصادی و...

با این امید که در آینده نزدیک بتوانیم از طریق اصلاح ساختار و قوانین مالیاتی، اتکاء به درآمدهای نفتی را تا حد امکان کاهش داده و به سوی اقتصاد سالمی گام برداریم.

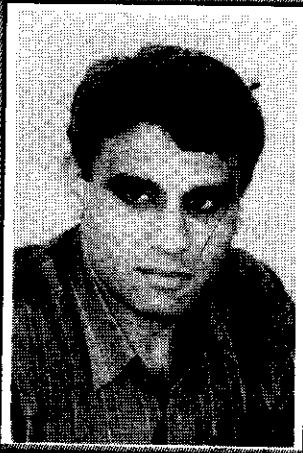
تدبیر

### شرکت‌کنندگان در میزگرد

۱ - آقای محمدتقی نژاد عمران: لیسانس بازرگانی - رئیس شوریاعالی مالیاتی - مدرس قوانین و مقررات مالیاتی و حسابداری مالیاتی در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور  
۲ - آقای محمدحسین شیخها: فوق لیسانس مهندسی صنایع - عضو هیئت مدیره و مدیرعامل گروه صنعتی وین - عضو هیئت مدیره جامعه مدیران و متخصصین صنعت کفش ایران

۳ - آقای محمدعلی فرشچیان: رئیس هیئت مدیره شرکت صادراتی فرآورده‌های خاورمیانه و مدیرعامل شرکت فرآورده‌های ایران - عضو هیئت رئیسه اتحادیه صادرکنندگان خشکبار - عضو هیئت رئیسه اتحادیه صادرکنندگان صمغ و کتیرا و دانه‌های کشاورزی

۴ - آقای داود مسگریان حقیقی: فوق لیسانس حسابداری و عضو انجمن حسابداران خبره انگلستان - مشاور عالی رئیس هیئت عامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران



### حقیقی

ما نیازمند نگرشی جدید به  
 و شرح مالیات هستیم  
 به انگیزه سرشاری از حساسیت  
 بر کفایت اخلاقی و هوشیافت  
 دیگر نمی تواند خود را اکتفا کند  
 زیرا نگرشی ما در پرونده های  
 مالیاتی است  
 ما امروز کشور را به نام مالیات  
 و حق و به عنوان حقوق و دستمزد  
 بسیار کسب کننده دولت تقسیم  
 بر کشور  
 به مالیات و می تواند از سوره های  
 بسیار هم فریاد هم حزبی  
 شخص است و هم نقد و در تمام  
 دنیا بین معمول است تشخیص و  
 رسول آن هم کار ساده ای است  
 به اگر شرکتی در سالی به هر دلیل  
 مالیات بالای پرداخت کند برای  
 سیزده ماه روزی ایجاد می شود از  
 برای سال های بعد نیز تشخیص  
 بالاتر از رقم می است  
 به از مشکلاتی که تا به حال  
 سرمایه گذاران خارجی عنوان  
 کرده اند بالا بردن نرخ مالیات  
 نیست بلکه به چگونگی عنوان  
 مالیات کشور است

ایشان در وزارت امور اقتصادی و دارایی این انتظار و امیدواری را ایجاد می کند که ایشان نتایج جلسه را به عنوان جمع بندی بخش صنعت به سیاستگذاران منتقل کنند.

فرشچیان: در زمینه مسایل مالیاتی باید در پی راه حل های ریشه ای بود. اینک که بحث پیرامون مالیات در بخش صنایع مطرح است، می خواهم به صنایعی بپردازم که در امر صادرات فعالیت دارند. به نظر من دولت باید شرکت های فعال صادراتی را به تناسب میزان صادرات آنها مشمول معافیت مالیاتی کند. البته شنیده می شود که گام های مثبتی در این جهت برداشته شده و مالیات بر درآمد صادرات مشمول بخشودگی می شود. این پیشنهاد به این دلیل مطرح می شود که صادرات ما چه صنعتی و چه سنتی یا کشاورزی در سطح قابل قبول بازارهای بین المللی نیست و در این بازارها نیز ما رقبای فراوانی داریم. بنابراین بخشودگی مالیاتی باعث کاهش قیمت و در نتیجه افزایش تقاضا برای اقلام صادراتی

حقیقی: مالیات به عنوان یکی از منابع قابل توجه تامین درآمد دولت، از اهمیتی شایان برخوردار است. نگاهی به ارقام بودجه و اجزای درآمد دولت در سالیان اخیر نشانگر آن است که همواره بیش از ۲۰ درصد درآمد دولت از راه اخذ مالیات ها تامین می شود. از این میزان نیز، پیوسته به طور متوسط حدود ۲۵ درصد آن مالیات بر شرکت ها است. منابع عمده دیگر، مالیات بر مصرف، فروش و واردات است، اما در این میزگرد بیشتر به بررسی پیرامون مالیات بر درآمد شرکت ها می پردازیم. در این بررسی انشاء الله کوشش خواهد شد، مسایل مالیاتی که بنگاه های اقتصادی به ویژه در بخش صنعت با آن درگیر هستند شکافته و راه حل های ممکن ارائه گردد. در عین حال مسایلی که از این نظر سد راه سرمایه گذاری است روشن شده، و علاوه بر آن اشکالات قانون فعلی و مشکلات اجرایی آن نیز بازنگری و بررسی شود. حضور رئیس شورای عالی مالیات ها در این جمع و مسئولیت حساس





می‌شود. از سوی دیگر، به عقیده من جنبه منفی روحی و روانی مالیات بر صادرات بسیار بیشتر از دریافتی دولت اهمیت دارد. شما صادرات کشمش را در نظر بگیرید: تولید سالانه این محصول در جهان یک میلیون و صد هزار تن است که سهم ما نیز به حدود صد هزار تن می‌رسد. مالیات بستن بر صادرات این محصول با توجه به حضور رقبای فعال در عرصه بازارهای بین‌المللی، بی‌گمان این سهم را کاهش داده و حتی ممکن است صادرات آن را متوقف کند. یا آنکه پسته را در نظر بگیرید: صادرات پسته ما از ۱۷ هزار تن به ۱۲۰ هزار تن رسیده و قرار است در خلال ۵ تا ۶ سال آینده به ۲۰۰ هزار تن برسد. تهیه و آماده سازی این محصول برای صادرات نیاز به ماشین‌آلات جدید دارد، زیرا روش‌های سنتی گذشته دیگر کاملاً منسوخ شده است. یعنی محصولی است که در واقع هم کشاورزی و هم صنعت درگیر آن هستند؛ بی‌تردید مالیات بستن بر صادرات این محصول درست نیست و لاجرم روند صعودی صادرات آن معکوس خواهد شد. زیرا در حال حاضر رقیب بزرگ ما آمریکا است که بازارهای خاور دور را کاملاً پوشش می‌دهد. آمریکا برای ورود پسته ما به آن کشور مالیات ۳۹۴ درصد وضع کرده است، که تصور می‌کنم حتی اگر محدودیت صدور کالاهای ایرانی به آمریکا نیز برداشته شود باز ما نمی‌توانیم به آنجا صادرات پسته داشته باشیم. حمل و نقل و ارتباطات آسان‌تر از مزیت‌هایی است که آمریکا برای حضور در بازار خاور دور دارد. با آوردن این دو مثال می‌خواهم نتیجه بگیرم که اگر دولت بر توسعه صادرات غیرنفتی تأکید دارد، باید با استفاده از تدابیری آن را تشویق کند. از جمله این تدابیر، یکی هم معافیت مالیاتی بر محصولات و کالاهای ساخته شده صادراتی است. این معافیت باعث توسعه بخش‌های اقتصادی درگیر قضیه نیز می‌شود. عدم تثبیت نرخ ارز مساله دیگری است که برای صنایع ما بسیار گران تمام می‌شود. برای کسانی که می‌خواهند در صنعت سرمایه‌گذاری کنند، در واقع روشن نیست که سرمایه‌گذاری اصلح است یا نگهداری ارز. تا زمانی که وضع کنونی تداوم دارد، بدون تردید سرمایه‌گذار با مخاطراتی دست‌با‌گریبان است. مساله دیگر آن است که فشار مالیات نباید تنها به گروه خاصی تحمیل شود، بلکه باید هدف را تعمیم مالیات‌ها قرار دهیم.

نکته دیگری که ممکن است به بحث این می‌زگرد زیاد مربوط نباشد، اما از آن جا که عوامی

که در توسعه صنعتی و کشاورزی دخالت دارد به هم وابستگی دارند، لذا علاقمندم بر آن تأکید کنم؛ موضوع سرمایه‌گذاری خارجی است. برای آنکه صنایع کشور جهش پیدا کنند، ما نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی، البته در چارچوب قانون اساسی هستیم. سرمایه‌گذاری خارجی به زبان ما نیست و چیزی را از دست نمی‌دهیم اما همین سرمایه باعث رونق تولید و تحرک صنایع می‌شود. عربستان سعودی در نزدیکی جده با استفاده از سرمایه‌های خارجی شهرکی صنعتی ایجاد کرده، که بسیار دیدنی است. پیش‌بینی می‌شود در آینده تولیدات این شهرک بتواند پاسخگوی بخش عمده‌ای از تقاضاهای منطقه باشد. اما آنان برای تشویق سرمایه‌های خارجی از سه راه کار سود جستند: زمین رایگان، معافیت مالیاتی و وام‌های ارزان با نرخ بهره پایین. ناگفته نماند که مدیران ایرانی نسبت به همفقطاران عرب خود بسیار باهوش‌تر، دقیق‌تر و کارآزموده‌تر هستند، و به علاوه از نظر منابع، ما کشوری بسیار غنی هستیم، بنابراین با توجه به این دو موضوع باید از سرمایه‌های خارجی حداکثر استفاده را بکنیم.

نکته آخر که می‌خواستم تأکید کنم موضوع اعمال ضریب است. در حال حاضر در حوزه فعالیت صادراتی، به دلیل نوسانات نرخ ارز، نه برای مؤدی نه برای ممیز و وزارت امور اقتصادی و دارایی چگونگی اعمال ضریب روشن نیست. از یک سو مالیات گیرنده مدعی است که نرخ ارز افزایش یافته و مالیات بالاتری طلب می‌کند، از سوی دیگر استنکاف خریدار خارجی از توافق قبلی به دلیل تغییر قیمت شروع می‌شود. نتیجه محتوم تداوم این وضع، خارج شدن برخی از صادرکنندگان از عرصه این فعالیت خواهد بود که لامحاله به زبان کشور است.

**حقیقی:** معافیت مالیاتی درآمدهای حاصل از صادرات و جذب سرمایه‌های خارجی به دلیل نیازمندی صنایع به بازسازی و تحرک از نکات اصلی بود که آقای فرشچیان مطرح کردند. در زمینه نوسانات نرخ ارز گرچه موضوع مستقیم بحث این می‌زگرد نیست، اما لازم است گفته شود که در برخی از کشورها، سودهای ناشی از تغییرات نرخ ارز و یا اصولاً درآمدهای ناشی از تورم را مشمول مالیات نمی‌دانند، که البته این یک بحث فنی است و نیاز به بررسی بیشتر دارد.

مساله جالب سرمایه‌های خارجی و معافیت‌های مالیاتی به عنوان مشوق نیز،



کردید بنابراین مابه‌التفاوت آن را کتمان حقایق کردید و باید مالیات بدهید. بنابراین حسابها علی‌الرأس شد. در صورتی که اگر ما دلار ۷ تومانی خریدیم هفت تومانی هم ثبت کردیم. به هر حال دلایل ما مورد قبول واقع نشد و سالهای بعد نیز به استناد همین سابقه مالیاتی، مالیات تعیین شده است. مثلاً سال گذشته به رغم آنکه زیان مورد قبول و حسابها تایید شد، باز هم به دلیل سابقه مالیاتی حدود ۸۰ میلیون تومان مالیات تعیین شد.

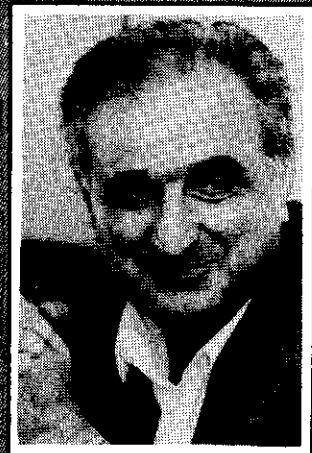
در حوزه شرکت‌ها مشکل دیگری که در قانون مالیات‌ها به چشم می‌خورد نرخ تصاعدی مالیات است. شرکتی را با چهار یا پنج سهامدار عمده در نظر بگیرید. اینان اگر به جای سرمایه‌گذاری در شرکت، سرمایه خود را به بانک می‌سپردند، با یک حساب ساده می‌توان مشخص کرد که عایدی هریک از آنها از حساب سپرده بیشتر از سود سهام آنهاست. البته این مثال در مورد شرکت‌های عام که سهامداران جزء دارد مصداق ندارد و منظور سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه است. به هر حال همین مساله باعث می‌شود سرمایه از بخش صنعت به بخش‌های دیگر که در آنها فرار از مالیات راحت‌تر است سوق داده شود.

مساله دیگر معافیت‌های مالیاتی برای مناطق محروم است که در گذشته موجب شد عده‌ای سرمایه‌دار شتاب زده در مناطقی خاص

موضوعی قابل توجه است. یکی از مشکلاتی که تا بحال سرمایه‌گذاران خارجی عنوان کرده‌اند پیچیدگی‌های قانون مالیاتی کشور است. اینان در واقع چندان بر بالا بودن نرخ مالیات تاکید ندارند، بلکه سادگی قوانین، مورد نظر آنها است که درجه ریسک خود را بدانند. در واقع نمی‌توان منکر شد که نظام‌های مالیاتی در بسیاری از کشورهای جهان سوم ساده‌تر از نظام مالیاتی کشور ما است.

**شیخها:** از اینکه مالیات‌ها یکی از اقلام عمده درآمد دولت و در عین حال اهرمی است برای تنظیم قیمت‌ها و شاید مهار تورم بحثی نیست. اما پوشیده نیست که شرکت‌ها در این زمینه با معضلاتی روبرو هستند که یا مشکل از خود قانون است و یا نحوه اجرای آن. من از شرکتی که مسئولیت آن را به عهده دارم مثال می‌زنم. شرکت ما در ده سال گذشته، با احتساب زیان برخی از سالها در مجموع ۳۰ میلیون تومان سود داشته است. شرکت دولتی است و دفاتر قانونی دارد. بنابراین در تحلیل دفاتر آن نیز مشکلی وجود ندارد. اما برای همین مدت مالیات قطعی شده حدود ۴۵۰ میلیون تومان است. این مساله دلایلی داشته‌است، برخی از هزینه‌ها قابل قبول نبوده یا برگشت شده، به هر حال حساب‌ها علی‌الرأس شده است. با توجه به اینکه سرمایه شرکت حدود ۲ میلیارد تومان است، ناگفته پیداست که بازده سرمایه به هیچ وجه قابل توجیه نیست. در این زمینه ما مشکلات زیادی داشته‌ایم که من در اینجا قصد ورود به جزئیات را ندارم، ولی بطور مثال در نظر بگیرید در یک سال خاص که ما از اعتبار ارزی وزارتخانه‌ای استفاده کردیم، استناد کردند که در دفاتر ثبت نشده و حسابها علی‌الرأس شد. حالا این موضوع بحث خاص خود را دارد. در صورتی که استنباط اشتباه بوده است؛ چون استفاده از اعتبار ارزی به منزله استفاده از ارز نیست. اعتباری هست که ما باید پول بدهیم و ارز را خریداری کنیم و هر موقع چنین کردیم ثبت می‌شود. بنابراین در نحوه ثبت حساب‌ها تفاوت سلیقه وجود دارد. کم‌اینکه فرض کنید وقتی ما اعتبار ارزی از وزارت صنایع می‌گیریم این به صورت آماری ثبت می‌شود، ارز استفاده شده را به دلیل آن که باید به بانک پول بدهیم آن را ثبت می‌کنیم و قیمت تمام شده بر مبنای نرخ ارزی که خریداری کردیم تعیین می‌شود. اما این‌گونه استنباط شده که چون این ارز در بازار مثلاً ۱۲۰ تومان بوده و شما ۷ تومان ثبت





مهدی زاده عمران

به تشکیل گروهی از مسئولان  
سازمان تامین اجتماعی و سایر  
مسئولان دولتی موجود و شروع  
در این کار ضروری است. در  
در سال گذشته و ۱۳۸۹ در  
مسئولانهای مسئولین  
نظر است. باید توجه داشت  
آموزش و پرورش را تعیین کنند  
به شرکت‌های صنعتی و خدماتی  
بسیاری از نهادهای و نهادهای  
دلیل بر همه از مالیات عاید  
و در اصلاحیه اخیر هزینه‌ها  
تسهیلات و شرکت‌ها در نهایت  
داخل و خارج از مرزهای قابل  
قول پذیرفته شده است.  
به حساب‌های برخی شرکت‌ها  
با تکلیف می‌گردد که نرخ‌ها را  
تعديل كنند. فرض بر این است  
و اصل حسابی برای شرکت درست  
و از آنها و من به ما باشیم  
به اجرای یک اقتصادی بسیاری از  
مشکلات کنونی را حل می‌کنند

سرمایه‌گذاری کنند. اما در این مناطق هزینه‌های  
نیروی انسانی، حمل و نقل، تعمیر و نگهداری و  
برخی هزینه‌های دیگر به مراتب بالاتر از مناطقی  
است که معافیت مالیاتی ندارند. نتیجه این شد که  
بسیاری از این شرکت‌ها متوقف شدند یا آنکه به  
زحمت خود را سرپا نگه داشته‌اند.

**نکته دیگر در مورد سود تقسیم نشده است.** در  
زاین پس از جنگ، سود تقسیم نشده را از مالیات  
معاف کردند، در نتیجه سرمایه‌گذاری افزایش  
یافت. اما در قانون مالیات ما، مالیات سود تقسیم  
نشده از سود تقسیم شده بیشتر است و این باعث  
می‌شود پیوسته نقدینگی شرکت‌ها کاهش یابد که  
پس‌آمد محتوم آن ناتوانی شرکت در امر  
سرمایه‌گذاری است. **گفتنی دیگر در زمینه**  
**صادرات است.** از یک سو صادرات را تشویق  
می‌کنیم اما از سوی دیگر به دلیل عدم پرداخت  
مالیات، کارت بازرگانی را تمدید نمی‌کنیم.  
بی‌تردید در این میان رابطه علت و معلولی وجود  
دارد. تا محصولی تولید و صادر نشود یا آنکه  
وارداتی صورت نگیرد، درآمدی حاصل نمی‌شود  
تا زمینه پرداخت مالیات مهیا شود. نکته دیگر در  
زمینه سیاست‌های جدید ارزی است که به رغم  
تمام فوایدی که دارد مشکلاتی نیز ایجاد کرده  
است. از جمله اینکه ارز تحصیل شده از صادرات  
قابل واگذاری نیست و صرفاً باید توسط خود  
متقاضی واردات صورت گیرد. یعنی من به عنوان  
یک مدیر دولتی ممکن است کالای قابل صدور  
داشته باشم ولی به واردات آنچنان نیاز نداشته  
باشم. قبلاً واریزنامه یا اعتبار خود را به  
شرکت‌های دیگر می‌فروختیم و منبع درآمدی  
برای شرکت بود. اما با اجرای سیاست جدید این  
کار میسر نیست و ناگزیریم ارز حاصل را در اختیار  
شرکت دیگری بگذاریم که واردات دارد و به  
هرحال مشکل ایجاد کرده است.

**حقیقی:** ظرف چندماه گذشته و پس از اعلام  
سیاست‌های جدید ارزی تغییراتی پدید آمده و به  
ویژه دو بخش صنعت و تجارت دچار بلا تکلیفی  
هستند و ابعاد ناگوار این عارضه هنوز بدرستی  
خود را نشان نداده است. بنابراین تصور می‌کنم  
لازم باشد میزگردی هم پیرامون مسائل ارزی  
برگزار شود. آقای شیخ‌ها چند مورد مشکلات  
قانونی را مطرح کردند. در مورد نرخ تصاعدی باید  
گفت که سهامداران یک به یک مورد تشخیص  
مالیات قرار می‌گیرند. بدیهی است میزان درآمد  
آنها مبنای تشخیص قرار می‌گیرد. اما جدا از این

مساله می‌خواستم سؤال کنم. آیا نرخها مستقل  
از میزان درآمدهای بالا یا پائین، اصولاً بالا  
هستند؟

**شیخ‌ها:** نرخها نسبت به مصوبه اول تاحدی  
تعديل شده ولی باز هم بالا است.  
**حقیقی:** موضوع دیگری که مطرح شد مساله  
استناد به سوابق مالیاتی است. یعنی اینکه اگر  
شرکتی در سالی بدشانسی بیاورد و مالیات بالایی  
بدهد برای ممیز، مانع روانی ایجاد می‌شود و برای  
سال‌های بعد نیز تشخیص بالاتر از رقم قبلی  
است. اما به هر حال فراموش نکنیم که وصول  
مالیات برای تجهیز و تامین منابع مالی دولت  
است. زیرا برای رسیدن به هدف‌های دیگر مثلاً  
تعديل ثروت در جامعه، دولت می‌تواند از  
ابزارهایی که در اختیار دارد استفاده کند اما برای  
کسب درآمد راههای زیادی وجود ندارد بنابراین  
باید حق داد که وزارت امور اقتصادی و دارایی  
در مورد تشخیص و وصول حساسیت داشته  
باشد. در یکی از نشریات معتبر خارجی بالاترین  
نرخ مالیات بر شرکت‌ها که به یک سهام‌دار تعلق  
می‌گیرد درج شده و کشورهای مختلف که عمدتاً  
نیز اروپایی هستند با یکدیگر مقایسه شده‌اند.  
جالب است که در کشوری مانند آلمان که اقتصاد  
پروونق و نسبتاً سالمی دارد این نرخ به ۶۰ درصد  
هم می‌رسد. نرخ ایران در بالاترین سطح ۵۴  
درصد می‌رسد که به هر حال مورد شکایت مؤدیان  
است.

**نکته دیگر اینکه مدیر دولتی نسبت به مدیر  
بخش خصوصی به مالیات کمتر حساس است و  
آنطور که باید مشکلات را عنوان نمی‌کند.**

**شیخ‌ها:** توجه کنید که با قانون جدید، مدیر دولتی  
مامور وصول مالیات نیز هست. من مدیر دولتی  
در دوره‌ای که مدیر هستم باید دوره خود را تسویه  
کنم، تا دوره بعد که دسترسی به اسناد و مدارک  
ندارم مشکلی نداشته باشم و این باعث می‌شود  
که من قبل از آنکه به فکر نقدینگی شرکت باشم به  
فکر نقدینگی وزارت دارایی باشم. یا مثلاً در نظر  
بگیرید کسانی که به دلیل عدم پرداخت مالیات  
ممنوع الخروج می‌شوند، قبلاً به آنها اعلام  
نمی‌شود. بلکه زمانی که برنامه مسافرتی تنظیم  
شده است هنگام سوار شدن به هواپیما مانع خروج  
آنان می‌شوند. به نظر من حداقل در مورد  
شرکت‌های دولتی وزارت امور اقتصادی و دارایی  
باید مینا را بر رسیدگی به دفاتر بگذارد زیرا ما  
مكلف هستیم دفاتر قانونی صحیح داشته باشیم.  
**فرشچیان:** با توجه به مسائلی که مطرح شد

می‌خواستیم به دو موضوع اشاره کنیم. یکی موضوع تقسیط مالیات که گفته می‌شود هر ماهه باید ۲/۵ درصد بهره آن پرداخت شود. به سخن دیگر سالانه باید ۳۰ درصد اضافه بر اصل پرداخت که به هرحال برای مؤدی تادیه آن مشکل یا غیرمنصفانه است. نکته بعدی در مورد نرخ مالیات و مقایسه‌ای است که بین ایران و آلمان شد. در آلمان به حساب پس‌انداز اگر دلار باشد ۳/۵ درصد و اگر مارک باشد ۶ درصد بهره می‌دهند بنابراین آلمانی ترجیح می‌دهد در یک شرکت سودده سرمایه‌گذاری کند. از همین رو برای آلمانی نرخ

هر نوع و جوه یا عوارضی که شهرداری‌ها، وزارت راه و ترابری یا اصولاً دولت وصول می‌کند به حساب مالیات گذاشته می‌شود؛ در صورتی که این برداشت صحیح نیست. بلکه دولت به موجب مصوبات دیگری غیر از قانون مالیات این جوه را دریافت می‌کند. دیگر آن که، وزارت امور اقتصادی دارایی خود قانون‌گذاری نمی‌کند، بلکه قانون را اجرا می‌کند، بنابراین بسیاری از سیاست‌هایی که در اینجا مطرح شد مثل معافیت‌های مالیاتی صنایع، صادرات یا مناطق محروم سیاست‌گذاری‌هایی است که دولت کرده و به



۶۰ درصد ارزان است. اما بانک‌ها در ایران به حساب پس‌انداز شما ۱۷ درصد سود می‌دهند که اگر سود هر ماهه را هم که به اصل اضافه می‌شود حساب کنیم می‌شود ۲۴ درصد، بدین ترتیب این رقم باعث می‌شود که سرمایه‌گذار بانک را به شرکت ترجیح می‌دهد، زیرا به هرحال دومی احتمال زیان را هم دارد در صورتی که اولی کاملاً مطمئن است. بنابراین روشن است که ۵۴ درصد چرا برای ما گران است.

تقی‌نژاد عمران: پیش از شروع بحث می‌خواهم تاکید کنم نظراتی که در این میزگرد ابراز می‌شود نظر کارشناسی است و جنبه شخصی دارد، بنابراین نباید به هیچ‌وجه به عنوان نظر وزارت امور اقتصادی و دارایی تلقی شود. در درجه نخست بهتر است چند موضوع روشن شود: یکی آنکه معمولاً طرز تلقی عمومی چنین است که

صورت لایحه تقدیم مجلس و در آنجا تصویب و به صورت قانون به ما ابلاغ شده است. بحث دیگر اینکه ما مالیات را برای تامین بودجه دولت وصول می‌کنیم، دولت می‌تواند از محل مالیات‌ها، وظایفی را که قانون اساسی بر عهده‌اش گذارده اجرا کند.

در اینجا نگاهی به ارقام سال ۷۲ که عملکرد و واقعی است، سودمند خواهند بود: در این سال مالیات‌ها حدود ۲۰ درصد کل درآمدهای دولت را تشکیل داده است، اگر از سوی دیگر سنجیده شود حدود ۲۹ درصد هزینه‌های جاری دولت از محل مالیات‌ها تامین شده است. در قانون بودجه، اعتبارات یا بودجه دولت به چهار امور تقسیم شده است: اقتصادی، اجتماعی، عمومی و دفاعی. من در این جا تنها در مورد امور اجتماعی بحث می‌کنم. امور اجتماعی شامل آموزش و

پرورش، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان تربیت بدنی، عمران شهری و تامین مسکن، فعالیت محیط زیست و آموزش فنی و حرفه‌ای است. ما در سال ۷۲ تنها توانسته‌ایم حدود ۶۳ درصد بودجه امور اجتماعی را از محل مالیات‌ها اعم از مستقیم و غیرمستقیم تامین کنیم، به بیان دیگر مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم در کل کشور توانسته است بودجه فقط امور اجتماعی دولت را تامین کند و ۳۷ درصد کمبود دارد.

در همین سال ۲۶۱۵/۴ میلیارد ریال وصولی مالیات‌های مستقیم داشتیم. حال اگر در همین سال به بودجه آموزش و پرورش که معادل ۲۹۱۸ میلیارد ریال است دقت کنیم، آشکار می‌شود که کل مالیات‌های مستقیم ما فقط توانسته ۹۰ درصد بودجه آموزش و پرورش را تامین کند. البته گفته می‌شود که شمار مدارس غیرانتفاعی افزایش یافته و اولیاء دانش‌آموزان هزینه‌ها را می‌پردازند ولی باید گفت که در همین سال ۷۲ از ۱۷ میلیون دانش‌آموز تنها ۲۴۰ هزار نفر در مدارس غیرانتفاعی تحصیل کرده‌اند. توجه به ارقامی که ذکر شد حاکی از آن است که ما از نظر وصول مالیات در چه سطح پایینی هستیم. در سال ۱۳۶۰ زمانی که قانون جدید مالیات‌ها تدوین می‌شد در کمیسیون اقتصاد که اصول و مبانی قانون مالیات کشور در آنجا تدوین می‌شود پیش‌بینی کردند که ما باید مالیات را به اندازه‌ای وصول کنیم که هزینه‌های جاری دولت از محل مالیات‌ها تامین شود. در برنامه اول نیز چنین هدفی منظور شد، و در برنامه دوم هم قرار است چنین هدفی تعقیب شود. اما عنایت کنید از آنچه گفته و تدوین می‌شود با آن که در عمل اتفاق می‌افتد، چه اندازه فاصله وجود دارد. حال باید دید آیا مالیات در کشور ما درست وصول می‌شود؟ برآورد سال ۶۴ و ۶۵ نشان می‌دهد که مالیات‌های وصول شده کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت بالقوه مالیاتی کشور است. این مشکل دلایل متعددی دارد از جمله: عدم وجود فرهنگ مالیاتی در مؤدیان و مالیات بگیرها، مشکل قانون و اشکالات اجرایی آن. سال گذشته معاونت اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی اعلام کرد که مجموع مالیاتی که وصول می‌شود تنها از کسانی است که در ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی کشور سهم هستند. مالیاتی که وصول می‌شود خود حدود شش درصد تولید ناخالص داخلی است. بدیهی است که اگر رقم پیشین به صد درصد برسد این سهم به بیش از ۱۵ درصد



خواهد رسید. بحث دیگری که در سطح کارشناسی جریان دارد، آن است که وجوهی که شهرداری‌ها، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان، سازمان تامین اجتماعی و امثال آنها می‌گیرند یا تحت عنوان سایر درآمدها وصول می‌شود ماهیت مالیاتی دارد، اما در محاسبه مالیاتی عمل نمی‌شود، که اگر محاسبه شود، سهم مالیات‌ها را در تولید ناخالص داخلی به اندازه قابل توجهی افزایش خواهد داد.

بنابراین می‌خواهم نتیجه بگیرم که ما با مشکلات متعددی روبرو هستیم. در قانون، معافیت‌های متعددی وضع کرده‌اند که ممکن است همه این معافیت‌ها ضرورت نداشته باشد. همانطور که گفته شد مالیات ابرازی است در دست دولت برای اعمال سیاست‌های مالی، اقتصادی و یا اجتماعی و دولت باید بخوبی از آن استفاده کند. حال در نظر بگیرید که شرکت‌های تحت پوشش بسیاری از نهادها و بنیادها از مالیات معاف هستند و خوب این دلیل موجهی ندارد.

یکی دیگر از اشکالات قانون مالیات کشور، نحوه محاسبه نرخ مالیات بر شرکت‌ها است. زیرا ما سود شرکت‌ها را به اجزاء کوچک‌تر تقسیم کرده‌ایم. یعنی سود تقسیم شده و تقسیم نشده داریم، درعین حال اندوخته قانونی و اندوخته سرمایه‌ای و سود سهام نیز هست که هر یک محاسبه جداگانه دارد. در واقع به جای سادگی، روش‌های پیچیده را پذیرفته‌ایم. در برخی اوقات نیز پیروی از این روش مغایرت‌هایی با قانون تجارت ایجاد می‌کند. در مواردی شرکت‌ها به دلیل نفع طلبی از اندوخته پرهیز می‌کنند و با سود خود را به صورت تقسیم نشده نگاه می‌دارند، تا آنکه مشکل مالیاتی آنها مرتفع شود. البته وزارت امور اقتصادی و دارایی به این معضلات آگاهی دارد و هم‌اینک نیز موضوع مالیات بر شرکت‌ها در جهت رفع مشکلات در حال بررسی است.

مساله دیگر تشخیص مالیات است. در همین جا مطرح شد که شرکتی با سود ۳۰ میلیون تومان، مالیات ۴۵۰ میلیون تومانی را توافق کرده است که تأدیه کند. اولین گمان این است که به هر حال در این میان اشکالی وجود دارد. ممکن است دفاتر و حساب‌ها به درستی ثبت نشده باشند. اما حوزه مالیاتی تشخیص داده، بعد هم توافق شده که مالیات پرداخت شود. مورد دیگر اینکه سابقه از نظر قانون ملاک نیست. شرکتی یک سال درآمد دارد و مالیات می‌دهد سال دیگر ضرر می‌دهد، اگر این ضرر تأیید شود، طبق قانون این زیان قابل کسر

از درآمد سال‌های آتی است تا کل زیان مستهلک شود.

در مورد معافیت‌های مالیاتی واحدهای جدید صنعتی اصولاً مشکلی وجود ندارد. صنعتی که هنوز ایجاد نشده، درآمدی ندارد که مالیات گرفته شود. در اصلاحیه مصوب سال ۷۱ معافیت صنایع جدید، از تاریخ بهره‌برداری حسب اولویت‌های ۱ و ۲ و ۳ به ترتیب به مدت ۸، ۶ و ۴ سال از مالیات معاف هستند. حال چنانچه این صنایع در مناطق محروم ایجاد و بهره‌برداری شود، معادل ۵۰ درصد مدت‌های ذکر شده حسب مورد به مدت معافیت مقرر در ماده قانونی اضافه می‌شود.

به رغم آنکه برخی اصرار دارند بگویند مالیات سدی است در راه سرمایه‌گذاری و تولید، ولی به نظر من مالیات مشکل ایجاد نمی‌کند بلکه گرفتن موافقت اصولی، زمین، ارز لازم برای ورود کارخانه، برپایی کارخانه و ایجاد راه‌اندازی آن از مشکلات تاسیس واحدهای صنعتی است، که در این میان مالیات جایگاهی ندارد. بسیاری از این واحدها پس از تاسیس، مشکل محیط زیست دارند. هم اینک با واحدهای تولیدی بسیار زیادی روبرو هستیم که هنوز پروانه بهره‌برداری ندارند، و از نظر اعمال معافیت‌ها ما را با مشکل مواجه کرده‌اند. مساله آنها به محیط زیست مربوط می‌شود. در مورد صادرات نیز باید گفت تولیدات صنعتی داخلی وقتی صادر شود از پرداخت مالیات معاف است، سایر محصولات تا ۵۰ درصد از معافیت مالیاتی برخوردار خواهند شد.

نکته دیگر آن که ما در زمینه اجرایی تشخیص مالیات‌ها با اشکال مواجه هستیم. یک ممیز مالیاتی ما باید بین ۵۰ تا ۸۰ شرکت را رسیدگی کند. آشکار است که این حجم کار از دقت می‌کاهد. بنابراین لازم است گروه‌های حسابرس در اختیار حوزه باشند تا آنکه حوزه را در این زمینه

یاری دهند. آیین‌نامه جامعه حسابداران رسمی پس از تصویب قانون آن، اینک در مرحله تدوین است. بنابراین می‌توان امیدوار بود که در آینده‌ای نزدیک اظهارنامه‌های مالیاتی منضم به صورت‌های مالی به حوزه‌های مالیاتی تسلیم شده و به تأیید حسابداران برسد در نتیجه معضلات موجود در ححد وسیعی کاهش خواهد یافت. گفته شد که سازمان حسابرسی خود ممیزی می‌کند. لازم به توضیح است که قبلاً یک بار سازمان حسابرسی و یک بار هم حوزه‌های مالیاتی رسیدگی می‌کردند. برای پرهیز از واری‌های دوگانه قرار شد رسیدگی‌های سازمان حسابرسی شامل رسیدگی مالیاتی هم باشد تا حوزه‌های مالیاتی آن را بپذیرند و از دوباره کاری اجتناب شود. به نظر من این کار، اقدام مثبتی بوده است. در مورد ممنوعیت خروج از کشور به دلیل عدم پرداخت مالیات و اطلاع به مؤدی از تمام ادارات کل خواسته شده رونوشت نامه به اداره گذرنامه به شخصی که ممنوع‌الخروج می‌شود نیز ابلاغ شود. در زمینه تمدید کارت بازرگانی و موکول نمودن آن به پرداخت یا ترتیب پرداخت مالیات، وزارت امور اقتصادی و دارایی مجری قانون است و نه بیشتر؛ و طبیعتاً کسی که از امکانات کشور استفاده می‌کند باید به قانون احترام بگذارد. در زمینه محاسبه و جریمه دیرکرد برای تقسیط مالیات نیز آشکار است که میان مؤدی که یکجا مالیات را می‌پردازد و آنکه با پول دولت کار می‌کند باید تفاوت باشد. زیرا در غیر این صورت تمامی مؤدیان می‌خواهند تقسیط کنند. در مورد تجدید ارزیابی دارایی‌ها هم اینک لایحه‌ای در کمیسیون اقتصادی دولت تصویب شده و انشاءالله به‌زودی پس از تصویب هیئت دولت تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد شد. براساس این لایحه به تمامی شرکت‌ها اجازه داده می‌شود برای یک بار کل دارایی‌ها، اعم از ماشین‌آلات، زمین و ساختمان را تجدید ارزیابی کنند. تجدید ارزیابی در دفاتر ثبت شده و مشمول مالیات نخواهد بود. نداشتن اطلاعات دقیق از درآمد مؤدیان مالیاتی مشکل دیگر حوزه‌های مالیاتی است که ما امیدواریم با کاربرد کد اقتصادی و ثبت صحیح درآمدها در دفاتر از اشکالات بعدی کاسته شود.

شیخها: شرکت‌ها تابع قانون هستند، اگر مالیاتی تعیین می‌شود باید بپردازند اما با فروش دارایی‌ها مالیات پرداخت می‌شود. بنابراین نباید چنین استنباط شود اگر شرکتی سود می‌کند، حتماً





نقدینگی دارد، و یا اگر شرکتی زیان می‌کند، اساساً نقدینگی ندارد. بی‌شبهه نتیجه این پرداخت‌ها افزایش بدهی‌ها و ضعف شرکت است.

مساله دیگر، موضوع هزینه‌های غیرقابل قبول است که اگر تجدیدنظر شده و دست کم در نظام مالیاتی مدون بشود، برخی اشکالات فعلی که تنها براساس تشخیص عمل می‌شود، مرتفع خواهد شد. بیشتر این هزینه‌ها در رابطه با ارگان‌های دولتی است و ممیز قبول نمی‌کند. هزینه تبلیغات و تزیینات در این زمره جای می‌گیرند.

استفاده از کد اقتصادی برای دستیابی به صحت بیشتر سودمند است، اما در عمل به دلیل آن که درست اجرا نشده، هزینه‌ها را بالا برده است. اگر از فروشنده کد اقتصادی بخواهید قیمت‌ها را بالاتر می‌دهد. یعنی در واقع ما هزینه فروشنده را می‌دهیم و این به زیان کارخانجات است. امروزه در میان فروشندگان بخش خصوصی کمتر کسی حاضر می‌شود که فاکتور بدهد و اگر هم می‌دهد از نظر ممیز قابل قبول نیست. به عنوان مثال اگر به دلیل معیوب شدن قطعه دچار توقف تولید شده‌ایم، اگر بخواهیم برای تهیه آن قطعه، مقررات و آیین‌نامه‌ها را رعایت کرده و فاکتور بگیریم با دو روز توقف بیشتر روبرو می‌شویم. هزینه این وقفه به مراتب بیش از هزینه عدم رعایت مقررات است بنابراین شرکت توقف کمتر را ترجیح می‌دهد ولی آنگاه با هزینه‌های غیرقابل قبول مواجه می‌شویم. البته بدهی است که مالیات‌گیرنده هم باید اسناد مثبته داشته باشد و در این میان هم نمی‌توان گفت که وزارت دارایی یا ممیز مقرر است. ولی به هر حال باید تدبیری اندیشید. یعنی همانطور که مالیات بردرآمد براساس شواهد تعیین می‌شود، هزینه‌ها نیز باید براساس شواهد و قرائن تعیین شود. آشکار است طرح لوایح و مسیری که طی می‌کند، همواره بحث‌های کارشناسی به مفید بودن هرچه بیشتر آن کمک می‌کند. قانون‌گذار هم در همین جهت دقت خود را دارد که این قوانین برای رسیدن به هدف‌های عمومی تدوین شود. اما حاصل قضیه و در اجرای آن به یک نظام هماهنگ نمی‌رسیم. در حال حاضر با افت تولید در واحدهای صنعتی روبرو هستیم. یعنی اگر به واحدهای صنعتی دقت کنید می‌بینید گردش نقدینگی و سرمایه در گردش برخی کارخانه‌ها کاهش یافته است. درست است که مالیات و تمامی عوارض معمول پرداخت شده است، اما به چه قیمتی! به قیمت کاهش دارایی‌ها.

غلبه این نزدیک‌بینی بر آینده‌نگری و نگرش درازمدت است.

در ایران، کل مالیات بر شرکت‌ها در مقایسه با کل درآمدهای دولت رقم ناچیزی را تشکیل می‌دهد. ببینید برای تشخیص و وصول همین رقم ناچیز، چه تعداد دستگاه و چه نیروی عظیمی بکارگرفته می‌شود. به علاوه مسایل بعدی هم وجود دارد: شکایت و دعوا و رفع اختلاف که خود امکانات قابل توجهی را درگیر می‌کند. حال اگر گروهی تخصصی تشکیل شده و از بعد کارشناسی و کلان موضوع را بررسی کنند که آیا آن وصولی ارزش تخصیص این همه امکانات را دارد؟ و اگر ندارد با توجه به دوران بازسازی و نیاز به سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر عموم مردم در بنگاههای اقتصادی، بهتر نیست برای مدتی مالیات بر شرکت‌ها را تا حد امکان ساده کرده و کاهش دهیم. از این تمهید بسیاری کشورها سود برده و می‌برند. اگر صراحت داشته باشیم باید بگوییم این تله را همه جا گذاشته‌اند. به بیان دیگر اگر عربستان و کشورهای دیگر برای تشویق سرمایه‌گذاری در شروع، معافیت مالیاتی می‌دهند، روشن است زمانی که این واحدها به ثمردهی رسیدند برای وصول مالیات سراغ آنها می‌روند. اگر سرمایه‌ای از حالت سرگردانی اسکان و هویت یافت دیگر نمی‌تواند خود را انکار کند. زیرآشنایی‌ها در پرونده‌های مالیاتی است، یعنی در خلال این دوره نهاد مالیات‌گیرنده بدون آن که مطرح شود می‌تواند پایه‌های مالیاتی را شناسایی کند.

ما اشکال دیگری نیز داریم و آن اینکه با نرخها بازی می‌کنیم گاهی معافیت می‌دهیم زمانی دیگر همان معافیت را لغو می‌کنیم، ولی انصافاً در نظر بقیه در صفحه ۷۶

هزینه استهلاک از ماشین‌آلات کم می‌شود. این هزینه ذخیره نشده که ماشین‌آلات جایگزین شود. اگر اندوخته وجود دارد باید از دور نقدینگی خارج شود تا بتوان از معافیت مالیاتی استفاده کرد. و برای این کار باید آن را ذخیره و از دور تولید خارج ساخت. در این میان حتی اگر با اصلاح نظام مالیاتی اندوخته‌ها مشمول مالیات نباشند باز هم برای صنعت سودمند نیستند. اندوخته به سپرده ثابت سپرده می‌شود تا صرف فعالیت‌های غیرتولیدی شود!

حقیقی: ایراد اصلی به مساله مالیات‌ها در کشور ما آن است که ما هنوز باور نکرده‌ایم که در حال بازسازی هستیم. می‌پنداریم که همه چیز طبیعی و اقتصاد نیز در حالت تعادل است، زمان هم زمان برداشت است. این تصور نادرست ما را دچار غفلت کرده است. توجه کنید هم‌اینک در دوره‌ای هستیم که دولت برای کنترل نقدینگی، نرخ سود بانکی را از مالیات معاف کرده و به سطح بالایی رسانده است. این نرخ سود که هم‌اکنون پرداخت می‌شود در مقام مقایسه با نرخ کشورهای دیگر یکی از نرخ‌های بالا است و به علاوه این سپرده‌ها از مالیات بر ارث معافند. بی‌تردید در این میان نوعی عدم هماهنگی مشاهده می‌شود، یعنی با اعمال چنین سیاست‌هایی مانع از حرکت سرمایه در مجرای صحیح خود شده‌ایم. حال در نظر بگیرید سرمایه‌گذاری که با پذیرش ریسک در تجارت یا صنعت سرمایه‌گذاری کرده است نمی‌تواند یک شبه سرمایه خود را جابجا کند. او خود را درگیر ساخته و راه خلاص ندارد. از این به بعد هم اشخاص آسودگی سپرده ثابت بانکی را به دغدغه‌های سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها ترجیح می‌دهند. مشکل عمده نظام مالیات در کشور ما



بگیرید چند درصد نقدینگی که درحال حاضر متجاوز از ۵ هزار میلیارد تومان است اسکان، هویت و شناسنامه پیدا کرده است؟ آیا جز آن است که بخش عمده این نقدینگی به بانکها پناه می‌برند. بانک‌های ما نیز به دلیل ماهیت دولتی آنها این سرمایه عظیم را صرف اموری می‌کنند که مولد نیست. برخوردار ما درحال حاضر با مساله مالیات‌ها درست شبیه آن است که در حال رفع عیب موتور بزرگی هستیم که کل موتور کار نمی‌کند. می‌خواهیم با تعویض پیچ و مهره مشکل را حل کنیم. خلاصه آن که ما نیازمند نگرشی جدید به موضوع مالیات‌ها هستیم.

در ادامه، بطور اجمال به برخی مسائل اشاره می‌کنم:

- هزینه‌های غیرقابل قبول در همه جا مرسوم است اما نه با این دید بدبینانه. شرکت‌های ما برای توسعه صادرات خود ناگزیر از هزینه‌های بازاریابی هستند، و باید به آن توجه کرد.

- نگاه از زاویه‌ای دیگر به مساله مالیات‌ها حاکی از آن است که ما ثروت کشور را به نام مالیات وصول و به‌عنوان حقوق و دستمزد میان کارمندان دولت تقسیم می‌کنیم.

- مالیات را می‌توان از سودهای بانکی هم گرفت. هم مؤدی مشخص است و هم نقدتر و در تمام دنیا نیز معمول است تشخیص و وصول آن هم کار ساده‌ای است.

- در بسیاری موارد معیار گرفتن عوارض و وجوه از فروش است و توجه نمی‌شود که بنگاه اقتصادی سود دارد یا زیان. بدیهی است که شرکت‌های نیز سعی می‌کنند آن را به مصرف‌کننده انتقال دهند.

- مرز میان مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم روشن نیست، بنابراین سرمایه‌گذار خارجی حق دارد در برخورد با قوانین مالیاتی ما سردرگم شود.

- می‌توان تصور کرد که صددرصد سود شرکت‌های دولتی متعلق به دولت است، بنابراین می‌توان درآمد آنها را یکجا به خزانه دولت واریز و در آن جا تقسیم کرد و از این همه اتلاف وقت و مقررات پیچیده نیز پرهیز کرد.

- سود تقسیم نشده در بسیاری کشورهای جهان از

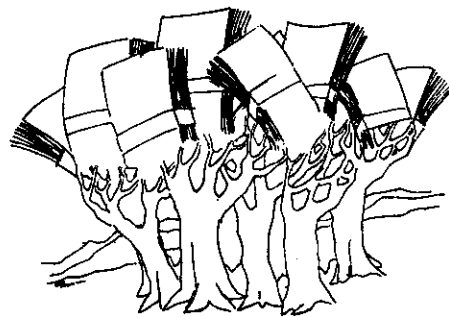
مالیات معاف است ما نیز می‌توانیم چنین کنیم زیرا به هر حال ازجمله وجوهی است که به موجودی و فروش تبدیل می‌شود و نتیجه محتوم آن افزایش درآمد است که از آن می‌توان مالیات گرفت.

و از همه مهم‌تر اینکه، درست است که در نهایت مجلس محترم شورای اسلامی درمورد

قوانین مالیاتی تصمیم می‌گیرد، اما قانون را وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد و از آن دفاع می‌کند. بنابراین در این میان نقش عمده‌ای ایفاء می‌کند.

تقی‌نژاد عمران: درست است. لایحه را وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌کند، دفاع از آن نیز در مجلس به عهده اوست. اما لازم به یادآوری است که در سال ۶۲، زمان تهیه پیش‌نویس لایحه جدید، به تمام وزارتخانه‌ها و دانشگاهها بخشنامه شد چنانچه در این زمینه نظراتی دارند به ما منعکس تا در لایحه گنجانده شود. تنظیم لایحه نیز برعهده کمیسیون زیرساخت شماره ۶ بود که در سازمان برنامه و بودجه تشکیل می‌شد. دو عضو کمیسیون از وزارت امور اقتصادی و دارایی و بقیه از سایر دستگاهها بودند. اصول را شورای اقتصاد تصویب کرد و بر آن اساس لایحه تنظیم شد. گفتنی است که تا زمان تنظیم نهایی لایحه هیچیک از وزارتخانه‌ها و دانشگاهها به تقاضای ما پاسخ مثبت ندادند و نظری ارائه نشد. بنابراین بطور مثال اگر معافیت‌هایی برای صنایع جدید و موارد دیگر پیش‌بینی شد، ابتکار وزارت امور اقتصادی و دارایی بود. من در همان زمان در کمیسیون برنامه و بودجه هم عنوان کردم که بسیاری از این معافیت‌ها ممکن است کاربرد نداشته و علی‌الاصول برای توسعه صنعتی عوامل دیگری لازم است. در اصلاحیه سال ۷۱ نیز باز تفاوت قائل شدن میان فعالیت‌های تولیدی و غیرتولیدی پیشنهاد وزارتخانه بوده است، که به استناد آن درآمد واحدهای تولیدی تا معادل ۲۰ درصد معافیت دارد.

درمورد هزینه تبلیغات که مطرح شد باید گفت که در سال‌های اولیه انقلاب که مساله تبلیغات جایز نبود بالطبع در ماده ۱۴۸ که مربوط به هزینه‌های قابل قبول بود منظور نشد. برای ما قابل پیش‌بینی هم نبود که در سال ۶۸ مساله



تعدیل ساختار و گرایش به سمت اقتصاد بازار تبلیغ مصرف کالاها و خدمات را ایجاب می‌کند. بنابراین با درک این خلاء، در اصلاحیه اخیر این اشکال برطرف شد و علاوه بر آن هزینه شرکت در نمایشگاه‌های داخل و خارج هم جزء هزینه‌های قابل قبول پذیرفته شد.

در قانون قبلی برای بسیاری از هزینه‌ها سقف داشتیم که در اصلاحیه این مشکل رفع شده است، و هزینه‌ها باتوجه به ارائه مدارک مثبت و باتوجه به فعالیت بنگاه در سال عملکرد ارزیابی می‌شود. درمورد معافیت سود سپرده‌های بانکی نیز که در قانون قبلی به آن بهره اطلاق می‌شد، زمانی در نظر گرفته شد که نرخ بهره بانکی حدود ۹ درصد بود و تصور نرخ سود ۱۷ درصد به اذهان خطور نمی‌کرد و به هر حال تا زمان حاضر این معافیت تداوم داشته است.

درمورد نرخ مالیات شرکت‌ها من نیز با شما هم عقیده هستم که منطقی و قابل دفاع نیست و من تصور می‌کنم در کمتر کشوری این روابط حاکم باشد. اما خوشبختانه اطلاع از این مشکلات همگانی شده و امیدوارم در آینده نزدیک شاهد رفع این مشکل باشیم.

نکته دیگر آن که بسیاری از شرکت‌های دولتی به دلیل مشکلاتی که دارند متأسفانه حساب‌سازی می‌کنند و این پدیده در گزارش‌های سازمان حسابرسی منعکس شده است. این نوع عملکردها نیز به ما تکلیف می‌کند که نرخ‌ها را تعدیل کنیم، در عین حال در پی راه‌حل‌هایی برای ثبت درست درآمدها و هزینه‌ها باشیم تا آنکه شرکت‌ها به راه کارهای غیرموجه متوسل نشوند.

در اینکه تولید و صنایع نوپا را با تمهیداتی ازجمله برقراری معافیت‌ها باید تقویت کرد اختلاف نظری وجود ندارد. و آشکار است زمانی که به بهره‌دهی می‌رسند از درآمد که در نتیجه توزیع تولیدات حاصل می‌شود می‌توان مالیات گرفت. اما در زمان حاضر، تشکیل گروهی از مسئولین و نمایندگان محترم مجلس برای بازنگری به معافیت‌های موجود و جرح و تعدیل آنها ضرور به نظر می‌رسد.

موضوع اجرای کد اقتصادی که طرحی ملی است بسیار اهمیت دارد. در بسیاری از کشورهای جهان شناسایی مؤدی از این طریق صورت می‌گیرد. آنچه در این جا مساله ایجاد می‌کند تفاوت فرهنگ است. مردم ما متأسفانه برخلاف مردم بسیاری از کشورهای پیشرفته نفع شخصی را

● موضوع مالیاتها ابعاد گسترده‌ای دارد که بی‌گمان در حوصله يك شماره میزگرد نمی‌گنجد. با سیاست‌گذاری از اندیشمندان ارجمندی که در این میزگرد شرکت کرده و به بررسی ابعادی از مسأله پرداخته‌اند، ما در این زمینه از دریافت نظرات خوانندگان صاحب‌نظر استقبال می‌کنیم. ضمناً در میزگرد شماره ۴۴ سمت آقای منصور مجدم نادرست عنوان شده بود که بدینوسیله اعلام می‌گردد ایشان سمت دیگری دارند. تدبیر

خود را از مقادیر کم تا معتدله به در کارخانه می‌آورد و به مالیات هم فکر نمی‌کند. بعد هم با طلب کد اقتصادی از صاحب کارخانه موکول به علی‌الرأس کنیم. ما باید به دنبال راه‌حل‌هایی باشیم که عملی (پراتیک) باشد.

نکته دیگر آن که من باز دیگر بر معافیت صادرات محصولات کشاورزی و کالاهای صنعتی و سنتی تأکید می‌کنم. شما وضعیت صادرکنندگان قالی را بررسی کنید و ببینید که با چه دشواری‌هایی در این عرصه روبرو هستند.

تقی‌نژاد عمران: کد اقتصادی ابتدا از شرکت‌ها شروع و بعد از بازرگانان، بنکداران و توزیع‌کنندگان عمده حال اگر به آخرین بخشنامه وزارت امور اقتصادی و دارایی در این زمینه نگاهی بیاندازید، آنجا هم بر همین اساس است و بطور مثال برای کشاورزی که در مزرعه خود محصولات قابل عرضه به کارخانجات کشت می‌کند، کد اقتصادی تکلیف نشده است و قرار نیست کارخانه‌ای هم که محصول کشاورزی را مستقیماً از کشاورز می‌خرد زیر سؤال برود. □

به نفع عمومی ترجیح می‌دهند. به هر صورت باید با یافتن راه‌حل‌هایی با فروشندگان، توزیع‌کنندگان و واسطه‌های سودجو و مالیات‌گریز مقابله کرد و اجرای کد اقتصادی در این زمینه یکی از راه کارهای اساسی است. به ما انتقاد می‌شود که سر ممیز و ممیز اختیارات وسیع دارد. ما نیز تلاش می‌کنیم در اصلاحیه بعدی ارتباط ممیز و مؤدی قطع شود. و در آینده ممیز کسی باشد که اظهارنامه مالیاتی را بگیرد، محاسبه کند و ببیند چه میزان وصول شده و چقدر قابل مطالبه است. و تشخیص درآمد برعهده سازمان دیگر و حسابرسان باشد که تخصص‌های مختلف دارند. هم اینک وزارت امور اقتصادی و دارایی در پی این هدف است.

فرشچیان: اجرای کد اقتصادی در کشور ما چندان ساده نیست. باید قبول کنیم که قوانین و مقررات هر کشور باید متناسب با فرهنگ مردم آن کشور باشد به ویژه آن که در زمینه کد اقتصادی بطور مثال شما با کشاورزان و باغدارانی سروکار دارید که با کد اقتصادی سروکار ندارد و محصول

### قابل توجه مدیران محترم

اصلاح و تبدیل سیستم حسابداری (مالی، صنعتی، پیمانکاران) انبارداری (ملزومات، فروش، حسابداری انبار)، حقوق و دستمزد، پرسنلی، مدارس به سیستم‌های کامپیوتری  
شرکت روش تکار تلفن و فاکس  
۸۶۵۳۰۱

نگارش ۳

## دستور

نرم افزار گامی نو در عرصه آمیختن تکنولوژی کامپیوتر با توانمندی فکر انسان برای دسترسی سریع، دقیق و صحیح به:

- ✓ مجموعه قوانین متنوع
- ✓ محیط کار کاملاً دوستانه
- ✓ عرضه موفق و استقبال شایسته
- ✓ امکانات وسیع جستجو

# قوانین و مقررات



گزینه

مشاور سیستم‌های اطلاعاتی

خیابان سمیه - بین بهار و برج سپهر - پلاک ۴ - طبقه سوم - شماره ۱۴ - تلفن و فاکس ۸۸۲۲۸۹۴